

صفحات ۶۶ - ۴۹

نقش فرهنگ و اخلاق اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده

شهربانو چتری^۱

چکیده

زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شان بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم و ستم واقع می شدند، اما با رشد روز افزون آگاهی های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است. در عصر حاضر شناخت شخصیت زن از دیدگاه اسلام، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زن در جامعه ای اسلامی و در نتیجه ی تربیت مکتب والای اسلام، ضمن بازیافتن مقام والای خویش در کانون گرم خانواده به تربیت و پرورش انسان های متدین و تلاشگر می پردازد. در این راستا تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده انجام شده است. تحقیق حاضر در شمار مطالعات کاربردی قرار دارد. روش مطالعه حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. زنان در طول تاریخ در عرصه های مختلف با شایستگی، ارزش خویش را به اثبات رسانده و ثابت کرده است. معارف و الگوهای حیات بخش اسلام اگر چه در مسیر احیای شخصیت و جایگاه زنان تأثیرات زیادی داشته و دارد، ولی بسیاری از حقایق در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان هنوز نتوانسته اند آن چنان که باید از فرهنگ اسلامی بهره مند گردند. یافته های تحقیق حاضر نشان داد که فرهنگ اسلامی تا حدود زیادی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده تاثیر داشته است.

واژگان کلیدی

فرهنگ اسلامی، شخصیت زن، خانواده، اخلاق اسلامی.

۱. دانش آموخته دکتری جامعه شناسی، گرایش زن و خانواده، مشاور و مدرس گروه آموزشی علوم اجتماعی و خانواده
Email: shchatri@yahoo.com (شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران)

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۵

طرح مسأله

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگ اسلامی، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است زیرا امروز، برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنان چه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. با توجه به این که نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام شده توسط زنان صورت می‌پذیرد، تنها یک دهم درآمد جهان و فقط یک صدم مالکیت اموال و دارایی‌های جهان به زنان اختصاص یافته است. از همان زمان که تاریخ حیات بشر رقم خورد، زنان پا به پا و همدوش مردان در تمام عرصه‌های زندگی حضور داشتند. زنانی که استمرار حیات بشریت به دست آنان رقم می‌خورد و مفتخر به تربیت مردان بزرگ تاریخ بوده‌اند؛ همواره سهم بسزایی در تأثیرگذاری بر تمامی شؤون اجتماعی و سیاسی داشته‌اند. ادیان الهی بر نقش زنان در صحنه خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده و او را مکمل مردان در نقش‌آفرینی جهت سیر تمدن بشری می‌شناسند. مکتب اسلام در پرتو راهنمایی‌های قرآن و سنت نبوی و عترت رسول مکرّم اسلام به زن آن چه را که شایسته‌ی او بود اعطا نمود؛ و شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شؤون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهای به ودیعت نهاده شده، در تمام میدان‌ها که نیاز به حضور اوست نقش ایفا کند. مطالعات زیادی در زمینه در داخل انجام گرفته از جمله، مهدوی راد در سال ۱۳۹۰ در تحقیقی با عنوان شخصیت زن ازدیدگاه اسلام پرداخته و به این نتیجه رسیده که زن و مرد از هویت واحد برخوردارند و زنان به‌سان مردان قابلیت رشد و استكمال دارند. نوروزی در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان نقش فرهنگی و اجتماعی زن در توسعه پایدار پرداخته و به این نتیجه رسید که در اغلب کشورهای جهان، زمینه و عرصه حضور زنان در بستر توسعه فراهم گردیده است و زنان به عنوان نه تنها به عنوان یک جنسیت، بلکه با جایگاه‌ها و موقعیت‌های متنوع و متفاوت برخاسته از توانمندی‌ها و مهارت‌های علمی - تخصصی و نیز با فرصت‌هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنان قرار می‌دهد، به نقش‌آفرینی در عرصه توسعه می‌پردازند. توحیدی در سال ۱۳۹۲ در تحقیقی با عنوان شخصیت حقیقی زن از منظر آیات و روایات پرداخته و به این نتیجه رسیده که روایات واحدی که در مباحث غیرفقهی زنان وارد شده از نظر بسیاری از علما، فاقد حجیت است، حتی در صورت

حجیت خبر واحد نادیده گرفتن ضعف سند، بسیاری از اخبار مربوط به سندیت و نکوهش زنان، باز هم تعارض محتوای این اخبار با آیات قرآن کریم، اصول عقلی، سایر روایات نشانهٔ مردود بودن آن هاست. بنابراین در این راستا مطالعه حاضر به بررسی نقش فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده پرداخته است.

نقش فرهنگ در تمدن اسلامی در مقام زن

از برتریهای اخلاقی که مردم قرون وسطی در اثر تماس با سلمین به آن دست یافتند شیوه ی برخورد با عنصر زن بود که پیوسته نیمی از اجتماع هر سرزمینی را تشکیل می داد. از یک سو نظریات اخلاقی ابن رشد که در مورد زن از دید فلسفی مطرح شده بود عمیقاً در دانشمندان اروپا تأثیر گذاشت و از سوی دیگر رفتار و کردار درست و صحیح عامه ی مسلمانان با زنان خود بعنوان الگو برای آنها مطرح شد. در مورد اول باید گفت ابن رشد از جمله حکمایی بود که سر سخنان به دفاع از مقام زن برخاست و در مورد زندگی اجتماعی آنان سخن گفت وی زن را از لحاظ آفرینش و طبیعت همانند مرد می دانست و می گفت که اگر چه اختلافات جزئی در بعضی از چیزها میان آن دو دیده می شود و برخی از مسائل زنان به پای مردان نمی رسند اما در بعضی از کارها به ویژه در مسائل هنری چون موسیقی و غیره آنها برتر از مردان هستند. به اعتقاد ابن رشد برای ترقی و پیشرفت جامعه اسلامی باید بالهای زن گشوده شود و تمام قید و بند هایی که آزادی را سلب می کند از میان برداشته شود. وی می گوید: از آن جا که زنان خمیر مایه ای والا و طبیعتی قابل ستایش دارند غیر ممکن نیست که از میان آنان فیلسوفان و فرمانروایانی سر بر آورند اما شایستگی زنان در میان مردم ناشناخته است. پیشوای نهضتی دانسته اند که در قرن نوزدهم در کشورهای غربی برپا شد. (امیری، ۱۳۹۵)

جایگاه و شخصیت زنان در قانون توسعه و کلان جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی نشان دهنده اصول، اهداف و ارزش های هر کشوری است و به عنوان یک سند سیاسی و میثاق اجتماعی، از جایگاه خاصی برخوردار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی دینی تدوین شده و جایگاه و حقوق زنان ایرانی را براساس معیارهای اسلامی در نظر گرفته است. اصول متعددی از قانون اساسی، به تشریح جایگاه زنان پرداخته است. در مقدمه قانون اساسی که بیانگر اهداف مهم قانون اساسی آورده شده است که نشان از قایل شدن زن در قانون اساسی است. مبحثی ویژه و جداگانه ای تحت عنوان جایگاهی ویژه به مباحث زنان دارد. در این مقدمه چند نکته حائز اهمیت ذکر شده است:

الف) استیفای حقوق زنان در ایجاد بنیانهای اجتماعی اسلامی به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شدهاند بیشتر خواهد بود.

ب) فراهم کردن امکانات جهت نیل به تشکیل خانوادهای که زمینه ساز اصلی حرکت

تکاملی و رشد یابنده انسان باشد، از وظایف حکومت اسلامی است. ج) زنان ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی، پیشاهنگ و خود، هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات خواهند.

سبک زندگی و تاثیر آن بر اقتصاد زن خانواده

"مروری بر آداب و رسوم مختلف مردم کشور، نشان می‌دهد که روح حاکم بر بسیاری از رفتارها نشأت گرفته از سبک زندگی غربی می‌باشد. سبک لباس پوشیدن، غذا خوردن، بهداشت و علم بهداشت، پیروی از فرهنگ غربی در مصرف گرایی، تجمل گرایی، همه سبب شده است که سبک زندگی در خانواده‌ها خیلی نزدیک به سبک زندگی اسلامی نباشد. نهاد خانواده در فرهنگ اسلامی، مقدس و نمادی اصیل و بستر رشد و شکوفایی استعدادها بوده است. یکی از نقاط حساس در حلقه زنجیره بزرگ اقتصاد، اقتصاد مردمی است که بر اصل "اقتصاد خانواده" شکل می‌گیرد و مورد تاکید علمای اقتصاد نیز می‌باشد. اکنون با رسوخ فرهنگ غرب و سرمایه داری که از قرن ۱۹ میلادی خانواده‌ها ده غرب فرو پاشید، به تدریج این فرهنگ به کشورهای اسلامی از جمله ایران رسوخ و با تبلیغ، جایگزین فرهنگ اسلامی شد. پیاده شدن الگوهای غلط اقتصادی از جمله: تغییر الگوی اقتصادی خانواده‌ها از حوزه تولید به حوزه مصرف، مصرف گرایی و گذراندن زندگی با درآمد آینده، خلق نیازهای جدید و وابستگی به تولیدات خارجی و... در خانواده‌های اسلامی به ویژه در اثر گرایش به سبک زندگی مصرف گرایی غرب، باعث هدر رفت بسیاری از سرمایه خانواده شده است. سرمایه‌هایی که می‌تواند در جریان تولید، به تولید و اشتغال و تولید ثروت مضاعف بینجامد. (پورحاتمی، ۱۳۹۴)

نقش زن در رشد فضائل اخلاقی خانواده و اجتماع

بررسی نقش زن خانواده و اجتماع می‌باشد. هدف از این تحقیق بیان این مطلب است که زن، در جامعه اسلامی وظایف پر اهمیتی دارد و عدم رعایت آنها موجب وارد شدن صدماتی بر شئون حیات اجتماعی و خانوادگی است. از این رو زنان، مهم ترین و حساس ترین وظیفه را در تربیت فرزندان به عهده دارند که اگر مادران به وظیفه سنگین و مقدس خود آشنا باشند و نونهالان اجتماع را با برنامه صحیح، پرورش دهند، می‌توانند اوضاع عمومی اجتماع، بلکه جهان را به طور کلی دگرگون سازند؛ از این جهت، ترقی و تنزل، و پیشرفت و عقب ماندگی اجتماع در دست زنان و به اختیار آنها ست. به گواه بسیاری از آیات قرآن، خداوند هدف از خلقت زن را آرامش و آسایش مردان بیان کرده است. که زنان با محبت و مهربانی‌های خود در کنار مردان و فرزندان موجب صمیمیت اعضای خانواده می‌شوند و همه آنها می‌توانند با امنیت خاطر و با آسودگی و آرامش در کنار هم زندگی کنند. بنابراین، خانواده مناسب ترین بستر برای ظاهر شدن رفتارهای مذهبی است. خمیر مایه شخصیت کودک در کانون خانواده و با تاثیر پذیری از نقش

الگوهای بزرگسال شکل می گیرد و آنچه کودک می آموزد، اساس زندگی و تلاش او را در آینده تشکیل می دهد. از این رو، مادر می تواند با گفتار و افعال صحیح، شخصیت قوی و انسانی خود تجربیات و آگاهی هایش و... انسان بسازد، زنان و مردان بزرگ و موثر به حیات اجتماعی، رو به تاریخ بشری و انسانی تقدیم کند و نقش غیر مستقیم خود را در صحنه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفا نماید، جوانان و دختران صحیح، نیرومند و با اخلاق انسانی، و با فضیلت و دانش به جامعه تحویل دهد و در تکامل اجتماع خویش سهم خود را در این بعد انجام دهد

شخصیت وجودی زن در تناسب تکوینی

قرآن کریم در ابتدا تصورات غلطی که در اذهان مردم نسبت به زنان و خلقت آنها وجود داشته اصلاح نمود و این دیدگاهها را مورد نکوهش قرار داده است و در خصوص نحوه آفرینش با عباراتی بی نظیر ذهن متفکران و فلاسفه جهان را به خود تا هم اکنون معطوف نگاه داشته است. و از جمله تصورات مذموم و باطلی که نسبت به زن و نحوه خلقت در ذهن ها شکل گرفته بود. (عطاش، ۱۳۹۲)

مقام و حقوق زن در فرهنگ اسلامی

زن در قرآن اهمیت ویژه و جای بسیار برجسته ای دارد. اسلام فکر تساوی زن و مرد را به صورت یک مسئله سیاسی و اجتماعی مطرح می کند چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً». (نساء، آیه ۱) (ای مردم از پروردگار خود پروا بگیرید، پروردگاری که شما را از نفس واحد) اصل و جوهر واحد) آفرید و زوج او را از همان نفس آفرید و از آن زنان و مردان فراوانی پراکند). زن و مرد در فرایند تکامل مسئولیت سیاسی و اجتماعی، سهمی مشترک دارند و به اندازه توانایی و امکانات جسمی و روحی خود در جهت گسترش ایدئولوژی طاغوت برانداز اقدام می کنند و در واقع هدف اسلام ساختن انسان است نه ساختن مرد یا زن به تنهایی. عقیده اسلام و جهان بینی آن در باره ی زن، انقلابی بزرگ و پرشکوه در جهان محسوب می شد. زیرا اسلام با ارائه این جهان- بینی یکباره همه عقاید تحقیرآمیز و بینشهای باطل و جاهل را کنار گذاشت و به جای آن الگوی جدیدی را در روابط اجتماعی با زن، به مردم عرضه کرد. در داستانهای تاریخی قرآن، به زنانی برگزیده و ممتاز برمی- خوریم که در فراست و هوش سرشار، و در توانایی بر درک حقایق بسیار دشوار و در حل مسائل و رویدادهای اجتماعی بدان پایه و منزلت رسیده بودند که حتی بزرگترین مغزهای متفکر آن روزگار نمیتوانستند کوچکترین اشکالی به نظراتشان وارد کنند و می توان ادعا کرد که در مسائل سیاسی و اجتماعی مافوق و برتری نداشتند. اسلام به زن، که در طول تاریخ از حقوق انسانی خود محروم شده بود، استقلال و شخصیت حقیقی و حقوقی بخشید و حقوق حقه و طبیعی را مانند حقوق اقتصادی، اجتماعی،

سیاسی و... که سنت‌ها و آداب و رسوم جاهلانه آنها را زایل کرده بود به رسمیت شناخت. (خرم آبادی و خانی، ۱۳۹۵)

جایگاه زن به عنوان انسان

یکی از برکات و امتیازات اسلام آن است که در گام اول خود زن را محترم شمرد و بر انسانیت و شایستگی او در ادای تکالیف و مسئولیت و شایستگی در کسب پاداش ورود به بهشت تأکید ورزید و اسلام زن را به عنوان انسانی محترم مینگریست که در تمام حقوق انسانی با مرد همسنگ و مساوی است. منشأ خلقت مردمان - اعم از زن و مرد - یک نفس واحد است و خداوند از همان نوع جفت و همسری آفریده تا یکدیگر را آرامش بخشیده و نقص و کمبودهای همدیگر را جبران نمایند. چنانکه خداوند میفرماید: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف: ۱۸۹): اوست آن کسی که شما را از نفسی واحد آفرید و جفت وی را از آن جنس پدید آورد تا در کنار او آرام بگیرد. (اهمیت خانواده بر کسی پوشیده نیست، محوریت و نقش حیاتی و زیربنایی آن در تربیت نسل، سامان بخشی به فکر و اعصاب افراد خانواده و از آن جمله مرد، و تشکیل هسته‌ی اصلی جامعه روشن است. اکثر دانشمندان خانواده را مهمترین نهاده‌ی دانسته اند که جا معه و کودک را تغذیه و پرورش می‌دهد و خانواده در سازگاری و انحراف کودک نقش اساسی دارد. تأمین سلامت فردی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن نقش خانواده امکانپذیر نیست. (خرم آبادی و خانی، ۱۳۹۵)

هویت فرهنگی

هویت یعنی کیفیت یکسان داشتن در ذات ترکیب و ماهیت و نیز یکسان بودن در هر زمان و همه شرایط. هویت داشتن یعنی یگانه بودن، ولی از جنبه متفاوت همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان. (Hekman, 1999, P.11) مانوئل کاستل هویت را «فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر یک یا، دیگر منابع معنا برتری دارند» تعریف می‌کند. (Holland, 1998, p.3)

توسعه فرهنگی اسلام

در یک جامعه دینی و اسلامی که ماهیت ارزش‌های فرهنگی آن را آموزه‌های الهی تشکیل می‌دهد، یکی از عوامل مهم و بنیادی، دین است، لذا واکاوی نقش دین در فرهنگ‌سازی و توسعه فرهنگی در این کشورها از جایگاه خاص و ویژه برخوردار است، توسعه فرهنگی در دو بعد ایستایی (دموکراسی فرهنگی) و پویایی (پویایی فرهنگی) مطرح است. در بعد ایستایی، توسعه فرهنگی عبارت است از توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های فرهنگی برای تمام شهروندان و در بعد پویایی معطوف به ایجاد تغییر و تحول در عناصر فرهنگ به منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی و در نتیجه پاسخگویی به نیازهای زمانه است. مهم‌ترین شاخص‌های توسعه

فرهنگی نیز عبارت‌اند از: عقل‌گرایی و اهمیت دادن به نقش عقل، علم‌گرایی و نگرش علمی به مسائل، نگرش مثبت در قبال دنیا و امور دنیوی، باور به آزادی بیان و اندیشه، نگرش پویا به فرهنگ و پلورالیسم فرهنگی. با مراجعه به آیات و روایات، آموزه‌های را می‌توان یافت که با عناصر توسعه فرهنگی همپوشی دارند. برخی از مهم‌ترین این آموزه‌ها عبارتند از: دعوت به تعقل، تأکید بر علم و اندیشه، پیوستگی میان دنیا و آخرت، تأکید بر نقش و اهمیت کار، حرمت اسراف و تبذیر، مذمت فقر، مبارزه با خرافات، باور به داشتن قدرت و عزت، اهمیت آزادی بیان، باور و تأکید به تعامل فرهنگی است». (سعادت و محمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۲)

توسعه زنان

در سطح دنیا بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ را به توسعه اقتصادی اختصاص داد جایگاه زنان کاملاً نامرئی بود و مسائل زنان به هیچ عنوان مورد دقت و نظر برنامه ریزان نبود که البته این دهه از جهت توسعه بسیار ناموفق بود و شاخص درآمد سرانه ملی کشورها مؤید این واقعیت بود ولی برای اولین بار در طول دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به نقش زنان در امر تولید و توانایی آنان برای تأمین درآمد و افزایش تولید در جامعه نگاه شد بطوریکه سازمان ملل این دهه را دهه زن نامید و حرکت‌های بسیاری را در جهت اهمیت دادن به برنامه ریزی برای زنان و توجه به مسائل زنان و نقش آنها در برنامه توسعه مطرح کرد. پس می بینیم حتی در سطح دنیا هم این بحث بسیار نوپا و تازه است. توسعه مجموعه تحولاتی است که باید در تمام ابعاد جامعه اتفاق بیفتد. نیمی از ساختار هر جامعه ای را زنان تشکیل می دهند. در توسعه، همه ساختارهای سیاسی همچنین پا به پای آن ساختارهای فرهنگی باید تغییر پیدا کنند و حتی درکنار آنها توسعه ساختارهای روانی نیز مطرح است. این مجموعه عوامل، باید با هم تحول پیدا کنند تا توسعه اقتصادی جواب دهد، چون بستر توسعه اقتصادی، فرهنگ است. مسئله زنان هم باید در این چهارچوب مورد بررسی قرار گیرد. یکی از ابعاد مهم توسعه اقتصادی - اجتماعی در جوامع عصر حاضر، توسعه موقعیت زنان شناخته شده است. زن عضو موثری از جامعه است. از این رو، می تواند نقش پیش گامانه ی خود را در برخی از مسوولیت ها متبلور است، ایفا نماید. یکی از آن مسوولیت ها این است که زن مفهوم توسعه را در زندگی اجتماعی، ترویج کند و زمینه ی مناسبی برای فعالیت آزادانه به وجود آورد در مسیر مبارزه طولانی اش بکوشد تا مرد را قانع کند که او یک انسان است و می تواند در روند توسعه در زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مانند مرد سهمی داشته باشد زیرا اگر اونیرویش را به کار گیرد، نیرو و توان فوق العاده ای دارد به شرطی که تمام نیرویی که برای کارهای منزل صرف می کند در این اندازه گیری لحاظ شود. بعبارت دیگر از این طریق می توان توسعه پایدار را در جامعه تضمین کرد در راستای تحقق توسعه به مفهوم علم آن، شرایط فرهنگی لازم می بایستی فراهم آید. تا زنان با رغبت وانگیزه ای هر چند بیشتر

در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی مشارکت کنند و از آن طریق هم نشانه و آثار فقر و درماندگی را از خود دور کنند و هم شکوفایی و رشد جامعه را در ابعاد مختلف بوجود آورند. رسیدن به چنین وضعیتی نیازمند اقدام عملی و مبارزه با عقب ماندگی و چیره شدن بر آن است چنان که قرآن کریم می فرماید: «همانا خدا سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان وضع خودشان را تغییر دهند.»^۱ از دیدگاه اسلامی، زن دو نقش مکمل در توسعه دارد: (۱) نقش پنهان؛ (۲) نقش آشکار. نقش پنهان همان نقش مدیریت خانواده و تربیت فرزندان است که در خانواده ایفا می کند، با توجه به اینکه نهاد خانواده، کوچکترین جزء از کل سیستم جامعه می باشد. و لذا در هیچ یک از محاسبات ملی منظور نمی شود. با وجود این، این نقش او در بلندمدت از طریق تأثیر بر کارایی نظام، تغییر محیط اجتماعی و غیره بر نسل آینده و در کوتاه مدت از طریق افزایش تولید ناخالص ملی، نحوه عملکرد خود را نمایان می سازد. نقش آشکار زن در توسعه از طریق اشتغال، عملی می شود که به تولید ناخالص ملی می افزاید و در کلیه محاسبات ملی لحاظ می گردد. علاوه بر تأثیر مثبت یاد شده، اثر مثبت دیگر نیز دارد که می توان به اختصار اینطور بیان کرد: افزایش حس اعتماد به نقش زنان، جلوگیری از هدر رفتن اوقات فراغت، استقلال رای و استقلال مالی، برنامه ریزی دقیق برای زندگی به منظور استفاده بهینه از وقت و زمان و سرمایه، بالا رفتن توان اقتصادی خانواده و امکانات رفاهی که سبب برخورداری از امکانات بیشتر آموزشی - پژوهشی و تفریحی فرزندان می شود، درک مشکلات شغلی همسر به دلیل شرایط فعالیتهای اجتماعی برخورد عقلایی با مسائل علاوه بر، برخورد عاطفی، صرفه جویی بیشتر در زندگی با توجه به شناخت مشکلات کسب درآمد. بطور خلاصه می توان گفت که در ارتباط با اشتغال و جلب مشارکت زنان در جامعه کنونی ما در بسیاری از موارد با موانع و تنگناهای زیادی مواجه هستیم و این موانع، راه را برای حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اقتصادی - اجتماعی در جامعه ناهموار کرده و موجب شده تا جامعه امروز ما از بهره بهینه از نیروی کار، که بخش عظیمی از جامعه اند محروم بماند. البته منظور از کار فقط حضور فیزیکی زنان در عرصه با زار کار نیست، هرگونه کار سازمان یافته و نیافته خانگی نیز با، برنامه ریزی در درازمدت می تواند به توسعه اقتصادی کمک نماید. علی رغم این همه انرژی و سرمایه که صرف عینیت بخشیدن به توسعه، این امر مهم قرن بیستمی ملل محروم می گردد چندان توجهی به بحث جدی زنان به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه نشده اند. این رساله تلاشی است هرچند ناچیز در جهت نمایاندن نقش انکارناپذیر زنان در فرایند توسعه همه جانبه است، امید آنکه بتوانم. در بیشتر تعریف هایی که از توسعه و جوامع توسعه یافته می شود، حضور زن در جامعه و فعالیت مستقیم

^۱ - آیه، ۱۱، سوره، رعد (۱۳). (ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیرو اما بانفسهم)

او در جامعه یکی از شاخص های اصلی توسعه یافتگی است. با توجه به این تعریف هر جامعه ای که بخواهد از روند توسعه جهانی عقب نماند باید زمینه ی اشتغال زنان در جامعه را فراهم کند و این تغییر بزرگی برای جامعه ی ماست. ایجاد هر تغییر عمده ای در جامعه نیاز به زمینه سازی دارد، و یکباره صورت نمی گیرد. جامعه ما نیز باید از نیروی متخصص زنان برای پیشبرد اهداف توسعه کشور استفاده کند و کم کم زمینه ی کاری را برای دیگر زنان جامعه فراهم کند. برای این کار ابتدا باید فرهنگ سازی لازم برای اشتغال زنان در تمام قشرها صورت گیرد.

شخصیت زن در اسلام

زن مسلمان و جامعه اسلامی به دنبال راه حلی اسلامی است تا بتواند در مورد مساله زن و ستم و تبعیض هایی که وجود دارد و برای رسیدن به حقوق عادلانه از وی دفاع کند. رشد ابعاد مادی و معنوی از جمله: تحصیل تقوی و طهارت همراه با کسب کمالات علمی و اجتماعی می تواند منجر به منزلت زن بشود در اندیشه اسلامی آمده است: اگر زن دارای مقام چنین و چنان است باید در عمل و در عینیت جامع و در برخورد با شخصیت زن موثر باشد. مقام والایی که هیچ ظهوری در اشپزخانه نداشته باشد و زن را در حد یک مملوک حفظ کند وجودش کالعدم است. این مقام والا باید ثمره اش در جایی ظاهر شود. اگر زن یک کتاب ارزنده در تعلیم و تربیت بنگارد یا یک اثر هنری بیافریند یا یک سازمان و نهادی را خوب مدیریت کند به مراتب بیشتر از شخصیت زن دفاع کرده است تا اینکه کتابی درباره شخصیت زن بنویسد مطالب کتاب را ممکن است مردم نپذیرند، اما واقعیت عینی را نمیتوانند انکار کنند. وقتی زن هنر خود را عرضه می کند کسی نمی تواند انکار کند بین سخن گفتن از مشک و بوییدن مشک فرق بسیار است. (خوشدل، ۱۳۸۹)

زن و شایسته سالاری در اسلام

نابرابری در عرصه مشارکت های سیاسی، تصمیم گیری ها و مدیریت های خردو کلان، بخشی از مظاهر تبعیض اجتماعی علیه زنان است. از نگاه روشنفکران، حضور فعال افراد اعم از زن و مرد، بدون نگاه جنسیتی و بر مبنای شایسته سالاری در قدرت و سیاست لازمه توسعه پایدار است: (ویژگی های خاص جسمی، عاطفی و رفتاری هیچ گاه باعث تفاوت ماهوی، فکری، اداری بین مردان و زنان نبود و نیست و نمی توان آن را ملاک محدودیت در وظایف آنان دانست و ملاک در تصدی وظایف اجتماعی، توانایی و مدیریت است و نه جنسیت.... در اسلام و جامعه ای که فرهنگ اسلامی دارد نه مرد سالاری مقبول است نه زن سالاری بلکه شایسته سالاری مورد پذیرش است.

علامه طباطبایی هویت انسانی را بر هویت جنسیتی افراد امری برخاسته از تعقل و عقلانیت بر می شمرد و با ذکر آیاتی از قرآن کریم بر این نکته تاکید می ورزد که خداوند بیش از

پیش از هر چیز افراد را به عنوان انسان مخاطب خود قرار داده است و هویت‌هایی که مبتنی بر جنسیت افراد می‌باشند به عنوان اموری فرعی تلقی می‌گردند به نظر ایشان: اسلام تشخیص می‌دهد که انسانیت یک نوع واحد ممتاز است و مرد و زن هر دو انسانند و در عین حال که از جهت نری و مادگی متفاوتند، از جهت انسانیت هیچگونه فرقی با هم ندارند، زیرا هر دو انسان را اعم از زن یا مرد دو فرد نر و ماده با تناسل خود به وجود می‌آوردند. ایشان با ذکر آیاتی از قرآن کریم نتیجه می‌گیرند (که شرع اسلام زن را نیز مانند مرد جز کامل جامعه انسانی قرار داده و هر دو را به طور متساوی شناخته و برای زن نیز آزادی اراده و عمل تشریح فرموده چنانچه در مرد همین حق را جعل کرده است). براساس چنین نگرشی، ایشان وضعیت و جایگاه زن را به سه دوره تقسیم می‌کند:

۱. دوره ای که در آن به زن به عنوان حیوانی انسان گونه نگریسته می‌شد. بدین معنا که زن با شکل انسان آثار وجودی حیوان را داشته.

۲. دوره ای است که زن دارای حقوقی شده ولی همچنان در اسارت به سر می‌برد. این دروه که آزادی در زنجیر نام دارد زن به مانند اسیری در نظر گرفته می‌شود که در برگی به سر می‌برد و فاقد نعمت آزادی اراده و عمل است، زیرا در این دوره وی بسان یک اسیر، دشمن جامعه محسوب می‌شود و آزادی وی به مانند آزادی یک دشمن گرفتار در اسارت به معنای متلاشی شدن و فنای جامعه است، در نتیجه باید دشمن را در اسارت نگه داشت.

۳. مرحله است که اسلام ظهور می‌نماید و در این مرحله (اسلام زن را در یک فرد انسانی تشخیص داده و جزئی به تمام معنی از جامعه بشری شناخته، وزنی (یا ارزشی) را که یک نفر انسان به حسب اندازه تاثیر اراده و علم خود می‌تواند در جامعه بشری پیدا کند به وی داده است. (خوشدل، ۱۳۸۹)

تجزیه و تحلیل داده ها

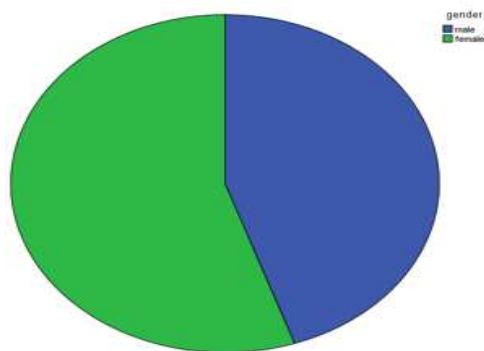
در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌ها و فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل در دو مرحله اعمال می‌شود. ابتدا به معرفی ویژگی‌های عمومی جامعه آماری و توصیف متغیرهای تحقیق می‌پردازد و در ادامه به اثبات فرضیات پرداخته خواهد شد.

توزیع فراوانی بر حسب جنس

بر اساس یافته‌های جدول ۱ ملاحظه می‌گردد که ۴۴.۷ درصد را مردان و ۵۵.۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهد که بر این اساس بیشترین جامعه آماری مربوط به زنان می‌باشد.

جنس	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرد	۳۴	۴۴.۷	۴۴.۷
زن	۴۲	۵۵.۳	۱۰۰
کل	۷۶	۱۰۰	

جدول ۱. توزیع فراوانی بر حسب جنس



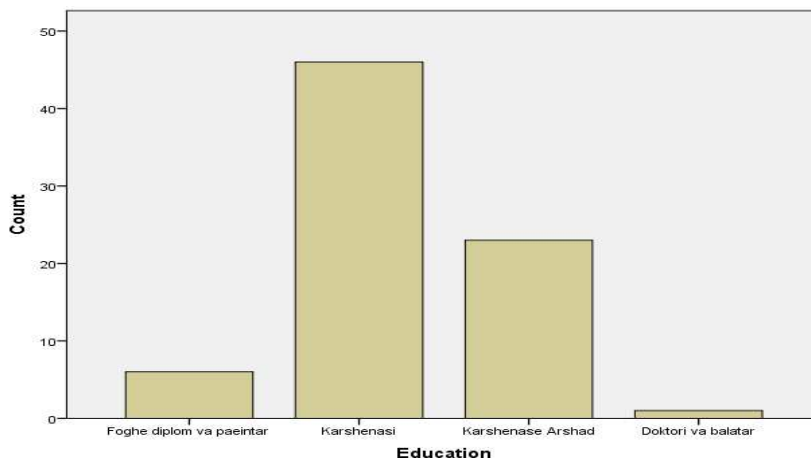
نمودار ۱. نمودار توزیع بر حسب جنس

توزیع فراوانی بر حسب سطح تحصیلات

بر اساس یافته های جدول ۲ ملاحظه می گردد که ۵۴ درصد از جامعه آماری مجرد و ۴۶ درصد را متأهل تشکیل می دهد که بر این اساس بیشترین جامعه آماری مربوط به مجردین می باشد.

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
فوق دیپلم	۶	۷.۹	۷.۹
کارشناسی	۴۶	۶۰.۵	۶۸.۴
کارشناسی ارشد	۲۳	۳۰.۳	۹۸.۷
دکتری	۱	۱.۳	۱۰۰
کل	۷۶	۱۰۰	

جدول ۲. توزیع فراوانی بر حسب سطح تحصیلات



نمودار ۲. نمودار توزیع بر حسب سطح تحصیلات

آمار استنباطی متغیرهای تحقیق روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد. بدین منظور جهت بررسی نقش فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده با استفاده از پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و با نرم افزار SPSS مورد بررسی واقع شد. لذا ابتدا اطلاعات دموگرافیک افراد بیان گردید، سپس با در نظر گرفتن فرضیات پژوهش به بررسی نقش فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده پرداخته شد. حالی که انحراف معیار بزرگ بیانگر پراکندگی قابل توجه داده‌ها می‌باشد. در واقع انحراف معیار برای تعیین ضریب اطمینان در تحلیل‌های آماری نیز به کار می‌رود. در مطالعات علمی، معمولاً داده‌های با انحراف معیار بیشتر از دو به عنوان داده‌های پرت در نظر گرفته و از تحلیل، خارج می‌شوند.

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار
فرهنگ اسلامی	۳.۹۸۶	۴	۰.۹۵۹
شخصیت زن و خانواده	۳.۱۹۷	۳	۱.۰۲۰
استحکام بنیان خانواده	۳.۰۵۲	۳	۱.۱۴۱
تربیت صحیح فرزندان	۲.۸۸۱	۳	۱.۱۴۲
ارتقاء جایگاه معنوی	۳.۱۰۵	۳	۱.۱۶۱

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی

بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها

نتایج حاصل از آزمون اسمیزنوف - کلموگروف در جدول ۴ حاکی از آن است که تمام متغیرهای پژوهش نرمال می باشند.

متغیر	نوع توزیع به کار گرفته شده	سطح معنی داری	مقدار خطا	تایید فرضیه	نتیجه
فرهنگ اسلامی	نرمال	۰.۲۴۲	۰/۰۵	H۰	نرمال
شخصیت زن و خانواده	نرمال	۰.۲۰۵	۰/۰۵	H۰	نرمال
استحکام بنیان خانواده	نرمال	۰.۲۰۳	۰/۰۵	H۰	نرمال
تربیت صحیح فرزندان	نرمال	۰.۱۸۸	۰/۰۵	H۰	نرمال
ارتقاء جایگاه معنوی	نرمال	۰.۲۰۱	۰/۰۵	H۰	نرمال

جدول ۴. تست نرمالیت

آزمون فرضیات

فرضیه اصلی: فرهنگ اسلامی بر شخصیت زن و خانواده نقش دارد.

Correlations

	فرهنگ اسلامی	شخصیت زن و خانواده
Pearson Correlation	1	.534**
Sig. (2-tailed)		.000
N	76	76
Pearson Correlation	.534**	1
Sig. (2-tailed)	.000	
N	76	76

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۵. ضریب همبستگی فرضیه اصلی

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری در هر دو متغیر کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین فرهنگ اسلامی و شخصیت زن و خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تایید و فرض صفر آن رد می شود. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم و مثبتی فرهنگ اسلامی و شخصیت زن و خانواده وجود دارد.

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۹.۶۸۸	۱۹.۶۸۸	۱	۲۹.۵۵۲	۰.۰۰۰
باقی مانده	۴۹.۲۹۹	۰.۶۶۶	۷۴	-	-
کل	۶۸.۹۸۷		۷۵	-	-

جدول ۶. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

جدول ۶ میزان تاثیر متغیرها فرهنگ اسلامی بر شخصیت زن و خانواده نشان می دهد. همانطور که مشاهده می کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثرگذار است. لذا با توجه به نتایج می توان گفت که فرهنگ اسلامی بر شخصیت زن و خانواده نقش دارد.

فرضیه اول: فرهنگ اسلامی بر استحکام بنیان خانواده تاثیر گذار است.

Correlations

		فرهنگ اسلامی	استحکام بنیان خانواده
فرهنگ اسلامی	Pearson Correlation	1	.232*
	Sig. (2-tailed)		.044
	N	76	76
استحکام بنیان خانواده	Pearson Correlation	.232*	1
	Sig. (2-tailed)	.044	
	N	76	76

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

جدول ۷. ضریب همبستگی فرضیه اول

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری در هر دو متغیر کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین فرهنگ اسلامی و استحکام بنیان خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تایید و فرض صفر آن رد می شود. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم و مثبتی فرهنگ اسلامی و استحکام بنیان خانواده وجود دارد.

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۳.۷۱۲	۳.۷۱۲	۱	۴.۲۰۸	۰.۰۴۴
باقی مانده	۶۵.۲۷۵	۰.۸۸۲	۷۴	-	-
کل	۶۸.۹۸۷		۷۵	-	-

جدول ۸. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

جدول ۶ میزان تاثیر متغیرها یعنی فرهنگ اسلامی بر استحکام بنیان خانواده را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می‌توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثرگذار است. لذا با توجه به نتایج می‌توان گفت که فرهنگ اسلامی بر استحکام بنیان خانواده تاثیر گذار است.

فرضیه دوم: فرهنگ اسلامی با تاکید بر توسعه یافتگی شخصیت زن بر تربیت صحیح فرزندان تاثیرگذار است.

Correlations

	فرهنگ اسلامی	تربیت صحیح فرزندان
Pearson Correlation	1	.303**
Sig. (2-tailed)		.008
N	76	76
Pearson Correlation	.303**	1
Sig. (2-tailed)	.008	
N	76	76

**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۹. ضریب همبستگی فرضیه دوم

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری در هر دو متغیر کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین فرهنگ اسلامی با تاکید بر توسعه یافتگی شخصیت زن و تربیت صحیح فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم تایید و فرض صفر آن رد می‌شود. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم و مثبتی فرهنگ اسلامی با تاکید بر توسعه یافتگی شخصیت زن و تربیت صحیح فرزندان وجود دارد.

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۶.۳۲۲	۶.۳۲۲	۱	۷.۴۶۵	۰.۰۰۸
باقی مانده	۶۲.۶۶۵	۰.۸۴۷	۷۴	-	-
کل	۶۸.۹۸۷		۷۵	-	-

جدول ۱۰. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

جدول ۱۰ میزان تاثیر متغیرها یعنی فرهنگ اسلامی با تاکید بر توسعه یافتگی شخصیت زن بر تربیت صحیح فرزندان را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثرگذار است. لذا با توجه به نتایج می توان گفت که فرهنگ اسلامی با تاکید بر توسعه یافتگی شخصیت زن بر تربیت صحیح فرزندان تاثیرگذار است.

فرضیه سوم: فرهنگ اسلامی بر ارتقاء جایگاه معنوی زن و خانواده تاثیرگذار است.

Correlations

	فرهنگ اسلامی	ارتقاء جایگاه معنوی
Pearson Correlation	1	.312**
Sig. (2-tailed)		.006
N	76	76
Pearson Correlation	.312**	1
Sig. (2-tailed)	.006	
N	76	76

**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۱۱. ضریب همبستگی فرضیه سوم

همانطور که در جدول ۱۱ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری در هر دو متغیر کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین فرهنگ اسلامی و ارتقاء جایگاه معنوی زن و خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه سوم تایید و فرض صفر آن رد می شود. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم و مثبتی فرهنگ اسلامی و ارتقاء جایگاه معنوی زن و خانواده وجود دارد.

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	۶.۷۳۷	۶.۷۳۷	۱	۸.۰۰۸	۰.۰۰۶
باقی مانده	۶۲.۲۵۰	۰.۸۴۱	۷۴	-	-
کل	۶۸.۹۸۷		۷۵	-	-

جدول ۱۲. آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

جدول ۱۲ میزان تاثیر متغیرها یعنی فرهنگ اسلامی بر ارتقاء جایگاه معنوی زن و خانواده را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر گذار است. لذا با توجه به نتایج می توان گفت که فرهنگ اسلامی بر ارتقاء جایگاه معنوی زن و خانواده تاثیر گذار است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده می پردازد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که فرهنگ اسلامی بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده تاثیر گذار می باشد. از جمله مولفه های تاثیر گذار بر توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده استحکام بنیان خانواده، تربیت صحیح فرزندان و ارتقاء جایگاه معنوی زن می توان نام برد. بنابراین می توان گفت با ارتقاء فرهنگ اسلامی می توان به توسعه یافتگی شخصیت زن و خانواده کمک نمود. علاوه بر آن با توجه به قرآن و روایات زن دارای مقام و منزلت در اسلام می باشد و از جایگاهی مانند مردان برخوردار است که می تواند علاوه بر اداره منزل و تربیت فرزندان، در صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی و... نقش ایفا کند و حضور پر رنگ و فعالی همانند مردان داشته باشند.

فهرست منابع

۱. خرم آبادی، یدالله، خانی، نبی، (۱۳۹۵)، بررسی حقوق زن در اسلام، اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۲. امیری، مهدیه، (۱۳۹۵)، نقش اشتغال زنان در جامعه، هامون ایران
۳. پورحاتمی، زهره، (۱۳۹۴)، نقش زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی، پورتال سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی.
۴. قیصری پور، رضا، غلامی پور، زهرا، (۱۳۹۳)، اقتصاد خانواده در فرهنگ اسلام با تاکید بر نقش زن، دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۵. اسکندری نژاد، (۱۳۹۱)، نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزندان، فصلنامه زن و فرهنگ.
۶. عطاش، علیرضا، (۱۳۹۲)، جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ.
۷. طاهری، سید مهدی، (۱۳۹۱)، مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ.
۸. احمدی، (۱۳۸۷)، فرهنگ سازمانی و مدیریت برآن، تولید دانش.
۹. خوشدل، مریم، (۱۳۸۹)، شخصیت زن در یهود و اسلام، با تاکید بر جایگاه عرفانی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد
۱۰. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶). جامعه شناسی توسعه. تهران: کیهان. چاپ ششم.
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، چاپ سوم.